

بازشناسی دلایل ارتکاب جرم سرقت از دیدگاه سارقان حرفه‌ای

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۲۲

از صفحه ۱۲۹ تا ۱۵۲

یوسف محمدی مقدم^۱، مسعود پور عزیزی^۲، حسین طاهری^۳

چکیده

زمینه و هدف: سرقت یکی از جرائم مهم در همه جوامع است که به اشکال مختلف صورت گرفته و امنیت اقتصادی و احساس امنیت را در جامعه تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف پژوهش حاضر، مطالعه ادراکات سارقان حرفه‌ای به منظور بازشناسی و کشف دلایل آن‌ها در ارتکاب سرقت است.

روش: برای نیل به هدف تحقیق، بعد از مرور نظریه‌های جامعه‌شناسی، از روش کیفی نظریه داده بنیاد استفاده شده است. جامعه مشارکت کنندگان، شامل همه سارقان حرفه‌ای است که در سال ۱۳۹۶ در زندان‌های شهر تهران در حبس به سر می‌بردند. برای ساخت مدل پارادایمی با ۳۰ نفر از این افراد به عنوان نمونه، مصاحبه‌هایی عمیق و نیمه ساختاریافته به عمل آمد. نمونه‌های موردنظر با ترکیب روش‌های نمونه‌گیری نظری و گلوله برفی به دست آمدند. حجم نمونه نیز با معیار اشباع نظری کنترل شد.

یافته‌ها: از دیدگاه سارقان مورد مطالعه، مفاهیم فقر، بیکاری، اعتیاد، ضعف دینداری، از هم‌پاشیدگی خانواده، ویژگی‌های شخصیتی و بی‌سوادی و کم‌سوادی به عنوان شرایط ارتکاب به سرقت تعریف شده‌اند. مفاهیم مکان آغاز و شکل‌گیری گروه‌های همکاری و یادگیری مفهوم شجاعت در حین سرقت، به عنوان تعاملات، همچنین نابودی سرمایه اجتماعی، فرار از خانه و تجربه زندانی شدن به عنوان پیامدهای عمل سرقت بیان شده‌اند.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های به دست آمده، از دیدگاه سارقان حرفه‌ای، می‌توان سرقت را پاسخی به شرایط زندگی تفسیر کرد. شناخت دلایل ارتکاب سرقت از دیدگاه سارقان حرفه‌ای می‌تواند در وهله اول به پیشگیری از سرقت کمک کند و در وهله دوم، در شناسایی سارقان و مقابله توسط پلیس مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها: سارقان حرفه‌ای، شرایط سرقت، تعاملات سارقان، پیامدهای سرقت، نظریه داده بنیاد.

استناد: محمدی مقدم، یوسف؛ پورعزیزی، مسعود و طاهری، حسین (بهار ۱۳۹۸). بازشناسی دلایل ارتکاب جرم سرقت از دیدگاه سارقان حرفه‌ای. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی. ۱۴(۵۳): ۱۵۲-۱۲۹.

۱. دانشیار مدیریت دانشگاه علوم انتظامی امین، نویسنده مسئول: you_mohammad@yahoo.com
۲. کارشناسی ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی دانشگاه علوم انتظامی امین، masoud.pourazizi@yahoo.com
۳. مربی مدیریت ورزشی دانشگاه علوم انتظامی امین، hoseintaheri1363@chmail.ir

مقدمه

در سال‌های اخیر، تحولات اقتصادی، افزایش روزافزون نرخ تورم و گران شدن لحظه‌های کالا و خدمات اساسی، وضعیت رفاهی و معیشتی مردم را تحت تأثیر خود قرار داده است. از یک سو، افزایش نرخ تورم و بیکاری فزاینده، امکان یافتن شغل و تداوم زندگی عادی را بسیار مشکل کرده است. از طرف دیگر، افزایش نرخ تورم و گرانی، اعتیاد و بیکاری، افراد را به سمت ارتکاب جرائمی از جمله سرقت سوق می‌دهد. سرقت یکی از جرائم مهم جوامع و عملی است که تقریباً در تمامی کشورها دیده می‌شود. این جرم در گذشته‌های دور نیز وجود داشته و به اشکال مختلف صورت می‌گرفته است. سرقت در زمان‌های متفاوت و در جوامع مختلف تغییر کرده است؛ اما موضوعی که از ابتدای پیدایش سرقت تاکنون ثابت مانده، زشتی و مذموم بودن ماهیت آن است که همواره با مرتکب این جرم برخورد و مقابله شده است (صفا و فولادی، ۱۳۹۵). سرقت از جمله جرائم مهم و شایعی است که از مصادیق بارز ناامنی است، به گونه‌ای که علاوه بر امنیت عمومی، امنیت اجتماعی و اقتصادی شهروندان را نیز تهدید می‌کند (نجفی توانا، رفیعی و رفیعی، ۱۳۹۲).

اساساً سرقت‌ها سبب ناامنی اجتماعی شده و ممکن است پیامدهای سیاسی هم برای دولت‌ها به همراه داشته باشند. طبق آمارها، هر ۲۷ ثانیه یک خودرو در آمریکا به سرقت می‌رود و بالاترین نرخ سرقت خودرو مربوط به ایالت کالیفرنیا است. البته به گفته پلیس آمریکا، ۹۵ درصد خودروهای سرقتی فاقد تجهیزات ضد سرقت هستند. در سال ۲۰۱۰ میلادی بیش از ۷۳۷ هزار دستگاه خودرو در این کشور سرقت شده است. طبق اعلام پلیس آمریکا ۶۶ درصد خودروهای سرقتی در ساعات شب دزدیده شده‌اند و ۶۰ درصد از خودروهای سرقتی بدون اینکه قفل شده باشند، به راحتی توسط سارقان دزدیده شده‌اند. در بریتانیا نیز روزانه یک هزار دستگاه خودرو به سرقت می‌رود. در کشور انگلستان، «ون» تولیدی شرکت فورد بیش‌ترین آمار سرقت را به خود اختصاص داده و سارقان به راحتی می‌توانند این خودرو را به سرقت ببرند. البته از هر ۵ خودروی سرقتی در انگلستان تنها یکی از آن‌ها کشف می‌شود (اسکندری، علی زاده و کاظمی، ۱۳۹۰، ص ۳۷). مرور پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی در ایران نیز حاکی از افزایش میزان سرقت در نقاط مختلف کشور از جمله خوی، اسلام‌آباد غرب، کرمانشاه و

اهواز (مرشدی و جعفریان، ۱۳۹۳؛ جعفری و اکبری، ۱۳۹۳؛ سجودی، ۱۳۹۲؛ نجفی توانا، رفیعی و رفیعی، ۱۳۹۲ و قاسمی و علی پور، ۱۳۹۳) است.

افزایش میزان سرقت، رابطه مستقیمی با احساس ناامنی و ترس در جامعه دارد؛ به این صورت که کنشگران اجتماعی برای تداوم تعاملات و کنش‌های متقابل خود، جامعه را محیطی امن، آرام و دارای جریان‌های نسبتاً ثابت فرض می‌کنند. افزایش میزان سرقت با انتشار احساس ترس در بین کنشگران اجتماعی، جریان عادی کنش‌های متقابل را مختل کرده و نظم اجتماعی را به هم می‌ریزد. از طرفی، مطالعات زیادی درباره سرقت و عوامل مؤثر بر آن انجام شده است که صرفاً عوامل بیرونی مؤثر بر سارق را مورد بررسی قرار داده‌اند. در حالی که باید درون ذهنیت سارقان و تجارب آن‌ها از ارتکاب به این عمل مجرمانه نیز مورد بررسی قرار گیرد. سپس یافته‌های این دو روش باهم ترکیب شده و برای کاهش سرقت مورد توجه کارکنان نیروی انتظامی و سایر سازمان‌های درگیر این مسئله به کار گرفته شود.

طبیعتاً پیشگیری از بروز سرقت می‌تواند موجب افزایش احساس امنیت اجتماعی در شهروندان شود. لذا ضرورت دارد به هر روش و راهکاری که بتواند به کاهش آمار سرقت در کشورمان کمک کند، پرداخته شود. پژوهش حاضر در نظر دارد که به این سؤال‌ها پاسخ دهد؛ اینکه سارقان بازداشت‌شده در زندان‌های شهر تهران چه تجربه‌ای از فرآیند سرقت دارند؟ از نظر آن‌ها چه عواملی آن‌ها را وادار به ارتکاب این عمل کرده است؟ و سارقان مورد بررسی چه پیامدهایی را برای عمل سرقت در ابعاد شخصی و اجتماعی تجربه کرده‌اند؟

با توجه به اهمیت احساس امنیت در جامعه و پیامدهای مترتب بر ارتکاب جرم سرقت، پژوهش‌های متعددی به این موضوع پرداخته‌اند که در ادامه به نتایج برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

مرشدی و جعفریان (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی مکان‌یابی جرم سرقت منازل با استفاده از رویکرد پیشگیری وضعی از جرم با روش پیمایش و نمونه‌ای به حجم ۷۳ نفر از کارکنان معاونت آگاهی و دوایر پیشگیری کلانتری‌های سطح حوزه استحفاظی شهر خوی پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داد بین موقعیت زمانی ارتکاب جرم و انتخاب مکان سرقت و بین شرایط محیطی محل ارتکاب جرم و انتخاب مکان جرم، رابطه معناداری وجود دارد. جعفری و اکبری (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی به بررسی نقش مدیریت

مشارکت مردمی در پیشگیری از سرقت احشام در شهرستان اسلام‌آباد غرب به روش پیمایش و نمونه‌ای به حجم ۳۱۰ نفر از روستاییان و ۱۵ فرمانده انتظامی پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، بین مشارکت مردمی و پیشگیری از وقوع سرقت احشام رابطه معنادار مثبت و معناداری وجود دارد.

نجفی توانا و رفیعی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی نقش پیشگیری اجتماعی با رویکرد چند نهادی در پیشگیری از سرقت خودرو در تهران با روش پیمایش پرداخته‌اند که یافته‌ها حاکی از آن بود تدابیر پلیس تأثیر بسیار زیادی در پیشگیری از سرقت خودرو دارد. سجودی (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر سرقت از اماکن پرداخته است. این پژوهش به روش پیمایش و نمونه‌ای به حجم ۸۰ نفر از سارقان دستگیرشده شهر رشت انجام شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که بین سرقت از اماکن و میزان تحصیلات، مذهب، دل‌بستگی به خانواده، اوقات فراغت و کنترل بیرونی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، قاسمی و علی‌پور (۱۳۹۳) در پژوهش خود به بررسی تأثیر اتخاذ تدابیر پیشگیرانه وضعی بر وقوع سرقت از اماکن با روش پیمایش و نمونه‌ای به حجم ۱۹۲ نفر از مال‌باختگان در شهر کرمانشاه پرداخته‌اند که نتایج آن نشان داده اتخاذ تدابیر و تکنیک‌های پیشگیرانه وضعی بر کاهش وقوع سرقت از اماکن مؤثر بوده و از میان انواع تکنیک‌ها، به کارگیری تدابیر فیزیکی (محیطی) پیشگیرانه وضعی، مؤثرتر از تدابیر فردی (انسانی) و دولتی (اجتماعی) است.

افرزه، بارتس و هینترچوبر^۱ (۲۰۰۳) معتقد است در سرقت، مؤلفه اصلی مشکلات روانی است و ضمن تجزیه و تحلیل ۱۵۰ نفر از زندانیان، مشکلات روحی و روانی را عامل اصلی سرقت می‌داند. علوی^۲ (۲۰۰۰) نیز ضمن بررسی روش‌های نوین سرقت، پس از بررسی ۳۰۰ نفر از زندانیان شهر لندن به این نتیجه می‌رسد که محیط پیرامونی به‌عنوان عامل اصلی باید به علم تبدیل شده و در اختیار نیروهای بازدارنده قرار گیرد. همچنین، آلی^۳ (۱۹۹۷) در مطالعه‌ای بر روی ۲۷۰ نفر از سارقان دستگیرشده زندان شهر بوستون، ضعف سیستم‌های نظارتی را به‌عنوان عامل اصلی سرقت برشمرده است. وی تجهیز و تقویت سیستم‌های نظارتی را برای کاهش جرائم مؤثر می‌داند.

1. Afrazeh, Bartsch & Hinterhuber

2. Alavi

3. Allee

باجاریا^۱ (۲۰۰۰) در پژوهش خود بر روی ۱۸۰ زندانی به جرم سرقت، بیکاری و فقر ناشی از آن را به‌عنوان مهم‌ترین عامل در به‌انحراف کشیده شدن آن‌ها می‌داند و پیشنهاد می‌کند شاخص بیکاری به‌عنوان معضلی جدی در ایجاد جرم سرقت مورد پیگیری و بررسی دولتمردان قرار گیرد. برنی^۲ (۱۹۹۱) نیز عامل حاشیه‌نشینی و شرایط محیط زندگی را به‌عنوان فاکتور اصلی در ایجاد جرم می‌داند. وی با بررسی و مطالعه ۲۶۰ سارق زندانی در شهر کپنهاگ به این نتیجه رسید که شرایط و محیط زندگی تأثیر بسیاری در سارق شدن افراد دارد.

همان‌طور که مرور پژوهش‌های انجام‌شده در مورد سرقت نشان می‌دهد، اکثر این تحقیقات با روش کمی و از بیرون به مطالعه سرقت پرداخته‌اند و تجارب سارقان را مورد توجه قرار نداده‌اند. بنابراین، پژوهش حاضر در نظر دارد با روش کیفی، فضای ذهنی و درونی سارقان را واکاوی کند. تحقیق کیفی عمدتاً متمرکز بر رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی است، بر اصالت انسان در برابر اصالت محیط تأکید دارد و بر این باور است که واقعیات در فرآیند درک و تفسیر انسان‌ها از آن ساخته می‌شوند. همچنین، از آنجا که تفسیر و درک مردم از دنیای پیرامون خود در بستر اجتماعی زندگی روزمره شکل می‌گیرد، معانی تولیدشده وابسته به بستر بوده و در درون آن معنا دار می‌شوند (برایمن^۳، ۲۰۰۷ و کرسول^۴، ۲۰۰۳، ص ۳۹۱).

پژوهش حاضر درصدد است، تجارب زیسته سارقان حرفه‌ای را مورد مطالعه قرار دهد. فرض بر آن است که سارقان در زندگی روزمره، اعمالشان را براساس نظریه‌های ذهنی خود انجام می‌دهند، یعنی هنگامی که با واقعیت برخورد می‌کنند، ابتدا آن را براساس ذهنیات خود تفسیر کرده و بنا بر تفسیر ذهنی خود با آن برخورد می‌کنند. دانش سارقان حرفه‌ای ریشه در تجارب آن‌ها در ارتکاب جرائم دارد. بنابراین، تنها راه کشف این دانش برای استفاده علیه خودشان یا به عبارت دیگر «مهندسی معکوس دانش»، درک و فهم آن با استفاده از روش‌های علمی است. دانش سارقان حرفه‌ای و تجربه زیسته آن‌ها امری است که در جریان زندگی روزمره و تجارب متعدد آن‌ها از سرقت‌های گوناگون ساخته

1. Bajarria
2. Barney
3. Bryman
4. Creswell

می‌شود. این افراد برخلاف تصور دیدگاه‌های ساختاری، کاملاً مقید شرایط بیرونی نیستند، بلکه در سطحی نسبتاً گسترده دست به انتخاب از بین روش‌های مختلف سرقت زده و حتی تا حدودی خلاقیت نیز به خرج می‌دهند. شناخت و فهم تجارب این افراد از طریق روش‌های بیرونی میسر نیست، بلکه به روش‌های درونی و تفسیری نیاز دارد؛ روش‌هایی که بتوانند در ذهن سارق نفوذ کرده و شیوه‌های واقعی را از درون آن‌ها کشف کنند. در نتیجه برای نیل به این هدف، استفاده از تکنیک‌هایی مانند مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته ضرورت می‌یابد. در علوم انسانی و اجتماعی فهم و درک تجارب زیسته افراد و تبدیل آن‌ها به نظریه‌های علمی توسط روش نظریه‌زمینه‌ای^۱ انجام می‌شود. به عبارت دیگر، از مصاحبه‌های سارقان مجموعه‌ای از مفاهیم و مقولات ساخته می‌شود که می‌توان از آن‌ها برای پیش‌بینی رفتارشان استفاده کرد.

نظریه‌هایی که مسائل اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهند، در سه دسته نظریه‌های زیست‌شناختی، نظریه‌های روان‌شناختی و نظریه‌های جامعه‌شناختی قرار می‌گیرند (کوئن، ۱۳۸۹).

- **نظریه‌های زیست‌شناختی:** طبق نظریه‌های زیست‌شناختی، عواملی که افراد را به سمت انحراف از هنجارهای جافتاده اجتماعی سوق می‌دهد، عواملی زیستی، ارثی و ژنتیکی هستند. بر این مبنای برخی افراد از نظر فیزیولوژیک استعدادی دارند که موجب می‌شود در مقایسه با دیگران از کج‌رفتاری (برای نمونه مصرف مواد مخدر) لذت بیشتری ببرند (جارویک^۲، ۱۹۹۰). کسانی مانند سزار لامبرزو و ویلیام فرور^۳ (۱۸۹۵)، معتقدند مجرم مادرزاد وجود دارد، یعنی کسی که به لحاظ ژنتیکی دارای ویژگی‌هایی است که وی را به سمت جرم سوق می‌دهد. در این دیدگاه، فرد مجرم به‌مثابه یک ارگانیسم زیستی در نظر گرفته می‌شود، انحراف از هنجارها به‌عنوان بیماری دانسته شده و مانند پزشکان به درمان آن‌ها پرداخته می‌شود (رابینگتن و واینبرگ^۴، ۱۳۹۷، ص ۳۸).

- **نظریه‌های روان‌شناختی:** این دسته نظریه‌ها بر گرایش بیشتر برخی از تیپ‌های شخصیتی به جرم و بزهکاری تأکید دارند. براساس این نظریه‌ها، احتمال بزهکار شدن در

1. Grounded Theory

2. Jarvik

3. Lombroso, c. & Ferreor. W

4. Rubington & Weinberg

افرادی که عزت نفس پایینی دارند یا بیشتر مضطرب می‌شوند، به‌منظور آرامش یافتن، اعتماد به نفس پیدا کردن و رهایی از تنش، بیشتر است (صدیق سروستانی، ۱۳۹۶، ص ۲۰۹). برای نمونه، افرادی که شخصیت‌های وابسته دارند، به احتمال زیاد به مواد مخدر آلوده می‌شوند (مونی، ناکس و اسکاچت^۱، ۱۹۹۷). این نظریه‌ها قصد دارند تا به شیوه‌ای علمی و اثباتی به کشف علل و عوامل انحراف در افراد بپردازند. از اندیشه‌های این دسته می‌توان به نظریه‌های یادگیری اجتماعی آلبرت بندورا^۲ اشاره کرد (ممتاز، ۱۳۸۷، ص ۵۳). آن‌ها نوع نگاه، تفکر و ادراک افراد را نسبت به رفتارهای خود مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهند.

- **نظریه‌های جامعه‌شناختی:** این نظریه‌ها به نقش جامعه و شرایط اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری بزهکاری و رفتارهای انحرافی توجه می‌کنند. به عبارت دیگر، ریشه‌های بزهکاری را در شرایط اجتماعی کنشگران قرار می‌دهند (شیخاوندی، ۱۳۸۶، ص ۶۵). اندیشمندان این گروه معتقدند، جامعه و اجزای آن شامل نقش‌ها، ساختارها و نهادها است که افراد را به سمت کج‌رفتاری سوق می‌دهند. این نظریه‌ها در چهار دسته کلی نظریه‌های کارکردگرا شامل دورکیم و مرتن (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۹۷، ص ۱۰۰)، نظریه بوم‌شناسی شهری مکتب شیکاگو (ستوده، ۱۳۸۴، ص ۱۳۴)، نظریه‌های تضاد گرا (رابرتسون، ۱۳۹۱، ص ۱۹۱) و نظریه‌های تعامل‌گرای مکتب کنش مقابل نمادین (صدیق سروستانی، ۱۳۹۶، ص ۲۱۱ و مولانیا، ۱۳۸۹، ص ۸۹) تقسیم می‌شوند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، دیدگاه‌های متنوعی درباره علل و عوامل ایجاد کننده آسیب‌های اجتماعی وجود دارد. این پژوهش در نظر دارد، با مراجعه به زندان‌های شهر تهران و انجام مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته با سارقان حرفه‌ای، دلایل انجام عمل سرقت را از دیدگاه آن‌ها مورد مطالعه قرار دهد. بنابراین، از نظریه‌های موجود صرفاً برای باز شدن ذهن و آشنایی با حوزه تحت مطالعه استفاده می‌شود، یعنی هدف پژوهش، کشف فضای ذهنی مشارکت‌کنندگان است نه فرضیه‌سازی و آزمون نظریه‌ها.

1. Mooney, Knox & Schacht
2. Albert Bandura

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به اینکه هدف این پژوهش، فهم و درک فضای ذهنی سارقان حرفه‌ای است که در زندان‌های شهر تهران به تحمل حبس محکوم شده‌اند، لذا از روش‌شناسی کیفی یا تفسیری به‌عنوان روش‌شناسی غالب استفاده خواهد شد. برای انجام تحقیق، روش تحقیق نظریه داده‌بنیاد به کار گرفته شد. این نظریه، رویکردی نوین در تحقیق و پژوهش در حوزه مطالعات اجتماعی است که اولین بار در دهه ۱۹۶۰ توسط آنسلم اشتراوس^۱ و بارنی گلاسر^۲ در کتاب «کشف نظریه زمینه‌ای» مطرح شد. ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه‌های باز و نیمه ساخت‌یافته هستند. بعد از ضبط و گردآوری اطلاعات موردنیاز براساس سؤال‌های تحقیق، مصاحبه‌ها به متن تبدیل شده و سپس با استفاده از رویه‌های سه‌گانه کدگذاری باز، محوری و کدگذاری گزینشی به تحلیل آن‌ها پرداخته می‌شود. در پژوهش حاضر از واحد جمله به‌عنوان واحد تحلیل استفاده شده است. جمعیت آماری تحقیق حاضر، شامل همه سارقانی است که در سال ۱۳۹۵ در زندان‌های شهر تهران محکوم به تحمل حبس شده‌اند. از این تعداد، ۳۰ نفر به‌عنوان نمونه نهایی مورد بررسی قرار گرفتند. حجم نمونه و تعداد مشارکت‌کنندگان در نظریه داده‌بنیاد براساس تکنیک نمونه‌گیری نظری و معیار اشباع نظری مشخص شد. برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری زنجیره‌ای یا گلوله برفی استفاده شد. همچنین، برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌ها و یافتن مسیر پژوهش «نمونه‌گیری نظری» به کار گرفته شد. برای اعتباریابی یافته‌ها از تکنیک بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان^۳ و تکنیک ممیزی^۴ استفاده شد. کنترل یا اعتباریابی توسط اعضاء به این صورت است که در این روش از مشارکت‌کنندگان خواسته می‌شود تا یافته‌های کلی را ارزیابی کرده و در مورد صحت آن‌ها نظر دهند. استفاده از تکنیک ممیزی نیز به این شکل است که چند متخصص، کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات را مورد بازبینی قرار داده و اعتبار آن‌ها را موردسنجش قرار می‌دهند.

1. Anselm Strauss
2. Barney Glaser
3. Check Member
4. Auditing

یافته‌های تحقیق

مشارکت‌کنندگان این پژوهش شامل ۳۰ نفر سارق حرفه‌ای مرد ساکن در زندان‌های شهر تهران هستند. میانگین سنی این افراد ۳۲ سال است. جوان‌ترین این افراد ۲۹ سال و مسن‌ترین آن‌ها نیز ۴۸ سال داشت. میانگین درآمد مشارکت‌کنندگان قبل از انجام سرقت و ارتکاب جرم از ۸۰۰ هزار تومان تا ۲ میلیون تومان در ماه در نوسان است. از ۳۰ نفر مورد مطالعه، ۱۹ نفر زیر دیپلم، ۱۰ نفر دارای مدرک دیپلم و یک نفر نیز فوق‌دیپلم بودند.

پس از فرآیند گردآوری داده‌ها از تک‌تک مشارکت‌کنندگان و پیاده‌سازی هر مصاحبه، ابتدا موارد غیرمرتبط با موضوع مورد بحث در این مطالعه حذف و در گام دوم از فرآیند خلاصه‌سازی داده‌ها از روش کدگذاری باز بهره گرفته شد. در این مرحله، متون و داده‌ها جمله به جمله مورد تحلیل قرار گرفته و مواردی را که دارای معانی و مفهوم یکسان بودند در یکدیگر ادغام و موارد تکراری کنار گذاشته شد. در نهایت، با استفاده از روش کدگذاری محوری و انتخابی با در نظر گرفتن الگوی پارادایمی، مقوله‌های مختلف شناسایی شده دسته‌بندی و به‌صورت الگوی پارادایمی ارائه شد. در جدول ۱، بخشی از یک مصاحبه و کدها و مقوله‌های مستخرج از آن ارائه شده است.

جدول ۱ - مضمون‌های برگرفته از مصاحبه

مقوله‌های اصلی	مفهوم	متن مصاحبه
اعتیاد	مصرف مواد و مشروبات	تقریباً ۸ سال داشتم که فهمیدم پدرم اعتیاد دارد و برای تهیه مواد دست به هر کاری مثل فروش وسایل منزل می‌زد. همین موضوع همیشه باعث درگیر شدن او با مادرم بود و این شرایط هر روز زندگی ما بود و تقریباً وقتی ۱۰ سالم شدم، مادرم طلاق گرفت و پدرم هم چند ماه بعد به علت مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی دچار ایست قلبی شد و از بین رفت. پس از آن، مادرم ازدواج کرد و من با پدر بزرگ و مادر بزرگم زندگی می‌کردم و باینکه هوشم هم بد نبود اما تا کلاس دوم راهنمایی بیشتر درس نخواندم. علتش هم خلاصه من بیشتر وقتم را با دوستانم بودم و همه کار و شیطنتی این بود که با دوستانم به بهانه رفتن به مدرسه می‌رفتیم بیرون و غیره باهم انجام می‌دادیم و باینکه می‌دانستم بعضی از کارهایمان اشتباه است، اما به خاطر رفاقت و غیره انجام می‌دادم و نمی‌توانستم آن‌ها را همراهی نکنم و در جمع دوستان با انجام بعضی از کارها احساس شجاعت می‌کردیم. تا حالا ۳ بار برای سرقت دستگیر شدم اما چون بعد از هر سری آزاد شدن نمی‌توانم شغل خوبی پیدا کنم ناچاریم راه قبلی را ادامه بدهیم ...
فقر	فقر	
ازهم‌پاشیدگی خانواده	درگیری خانوادگی	
	طلاق	
	بد سرپرستی	
بی‌سوادی و کم‌سوادی	فرار از مدرسه	
	ترک تحصیل	
ویژگی‌های شخصیتی	نا توانی در «نه» گفتن	
	رفیق‌بازی	
	دنباله‌رو بودن	
	شجاعت کاذب	
تجربه زندان	تجربه مکرر زندان	
بیکاری	بیکاری	

به‌طور کلی، یافته‌ها حاکی از آن است که بعد از کدگذاری باز مصاحبه‌ها و منابع داده‌ای، ۱۲ مقوله به این شرح تولید شد: فقر؛ بیکاری؛ اعتیاد؛ ضعف دینداری؛ ازهم‌پاشیدگی خانواده؛ ویژگی‌های شخصیتی؛ بی‌سوادی و کم‌سوادی؛ یادگیری مفهوم شجاعت در حین سرقت؛ مکان آغاز و شکل‌گیری گروه‌های همکاری؛ زندان و یادگیری فنون سرقت؛ فرار از خانه و از بین رفتن سرمایه اجتماعی. در ادامه به توصیف مقوله‌های یادشده پرداخته می‌شود.

شرایط: شرایط عواملی از سطح خرد تا کلان را شامل می‌شوند که فرد آن‌ها را به‌عنوان عوامل محرک به سمت پدیده مرکزی تعریف می‌کند. در تحقیق حاضر، شرایط شامل فقر، بیکاری، اعتیاد، ضعف دینداری، ازهم‌پاشیدگی خانواده، ویژگی‌های شخصیتی، بی‌سوادی و کم‌سوادی به‌عنوان شرایط تعریف شده‌اند.

- **اعتیاد:** اعتیاد پاسخی است به شرایط اقتصادی - اجتماعی خانواده، نارضایتی و فشارهای جمع‌گرایانه برای شرکت در اجتماع. تحقیقات متعددی درباره اعتیاد، عوامل ایجادکننده آن، عوامل کاهش‌دهنده آن و غیره انجام شده است. وجه مشترک همه این تحقیقات، نشان دادن چهره زشت این پدیده است؛ در حالی که تاکنون کسی پای صحبت یک فرد معتاد ننشسته و حرف‌هایش را گوش نداده است. جامعه کنونی ما جامعه‌ای پراسترس و پرفشار است؛ فشار بیکاری، کم‌درآمدی و بی‌درآمدی، افزایش سن و بلاتکلیفی، افزایش سن تجرد، افزایش میزان دختران مجرد قطعی و غیره. در کشور ما مکانی برای خلاص شدن از این همه استرس وجود ندارد. به عبارتی ساده‌تر، سوپاپ اطمینانی برای خالی کردن فشارهای روحی - روانی و گذراندن اوقات فراغت نه‌فقط برای جوانان بلکه برای هیچکدام از گروه‌ها و اقشار جامعه تعبیه نشده است. البته اگر هم مکانی برای گذراندن اوقات فراغت و تخلیه فشارهای روحی وجود می‌داشت، با توجه به کم‌درآمدی و بیکاری شدید، بازهم درصد زیادی از افراد توان استفاده از آن را نداشتند. در این میان، این اعتیاد است که کارکرد پیدا می‌کند. اعتیاد و مصرف مواد مخدر با همه بدی‌هایش، کارکرد مثبت کاهش فشار روانی دارد. مصرف‌کننده مواد مخدر با مصرف موادی مانند تریاک برای مدتی هرچند کوتاه از مسائل اش‌کننده می‌شود و به خیال خود به آرامش می‌رسد. وقتی جای نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد در جامعه خالی است، مکان و فرصتی نیز برای اوقات فراغت برای این خیل عظیم بیکار در نظر گرفته نشده است، افزایش آمار مصرف‌کننده مواد مخدر روبه فزونی می‌رود و شعار، تبلیغات

تلویزیونی، ساخت فیلم در مورد خانمان براندازی مواد مخدر، کاری به‌پیش نخواهد برد.

- **ضعف دینداری و مبانی دینی:** نسل امروز کشور به دلایل متعدد به بحران دین‌گریزی و حتی دین‌ستیزی دچار شده‌اند. جوانان امروز، فهم و درک عمیقی از اصول و مبانی دینی خویش ندارند و در بسیاری از موارد، رغبتی نیز برای یادگیری این اصول از خود نشان نمی‌دهند. بخش عمده‌ای از تولیدات صداوسیما را برنامه‌های مذهبی تشکیل می‌دهد. علاوه بر این، نهادها و سازمان‌های زیادی مانند اداره ارشاد، سازمان تبلیغات اسلامی و غیره وجود دارند که به امر تبلیغ دین و برپایی شعائر مذهبی اهتمام دارند. زیاده‌روی در تبلیغات دینی، در کنار شیوه‌های نادرست اشاعه دین در طول دهه‌های اخیر، خود سبب دل‌زدگی و خسته شدن جوانان از دین شده است. در بسیاری از موارد، در برابر تهاجم فرهنگی غرب، به‌درستی مقابله نشده و عملکرد مسئولان و خانواده‌ها در زمینه تربیت دینی نوجوانان و جوانان، رضایت‌بخش نبوده است. عدم پایبندی و بی‌توجهی به دین، آسیب‌هایی جدی را به وجود می‌آورد. در بسیاری از موارد، افراد خود را در رعایت قوانین اجتماعی و اصول اخلاقی، چندان ملزم نمی‌دانند.

- **ازهم‌پاشیدگی خانواده:** اغلب سارقان مورد بررسی اظهار می‌کردند که در خانواده‌ای رشد و نمو یافته‌اند که مصداق خانواده ازهم‌پاشیده است. بیشتر مشارکت‌کننده‌ها اظهار می‌داشتند که در خانواده آن‌ها مشاجرات طولانی‌مدت پدر و مادر مانع از تجربه فضای آرام خانه بوده است. در برخی از خانواده‌های سارقان مورد بررسی، پدر یا مادر یا عضوی از خانواده آن‌ها اقدام به خودکشی کرده‌اند. فرد با تماشای چنین وضعیتی، آرامش و اعتمادبه‌نفس خود را از دست داده و ممکن است، هیچ‌وقت آرامش عمیق وجود را تجربه نکند. این خودکشی‌ها گهگاه منجر به فوت‌شده و بنابراین سایر افراد را در غمگینی و افسردگی و ترس دائمی فرو می‌برد. دعوای طولانی‌مدت والدین اغلب منجر به طلاق آن‌ها شده و به ناگزیر خانواده از هم پاشیده می‌شود. از آنجایی که اولین و مهم‌ترین نهاد پرورش انسان خانواده است، خانواده‌هایی که به این صورت از هم می‌پاشند، مستعد تجربه انواع انحرافات و جرائم هستند.

- **شجاعت:** همه مشارکت‌کننده‌های این تحقیق به‌صورت متفق‌القول اعتقاد داشتند که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سارقان، شجاعت است. آن‌ها اظهار می‌کردند که بدون شجاعت، احتمال گیر افتادن در چنگال قانون بسیار زیاد است. نکته بسیار مهم در اینجا مجموعه اعمال تقویت این احساس است. سارقان مورد بررسی می‌گفتند برای تقویت

شجاعت در حین یادگیری فنون جرم، سارقان با تجربه‌تر سعی می‌کنند که در بعضی از سرقت‌هایشان از سارقان مبتدی استفاده کنند و به این صورت اعتماد به نفس آن‌ها را تقویت کنند. افراد مبتدی نیز وقتی می‌بینند که فرصت ابراز وجود پیدا کرده است، سعی می‌کنند که به نحو احسن جرم را مرتکب شود. تکرار این اعمال در حضور سارقان باتجربه و برخورداری از حمایت آن‌ها موجب افزایش شجاعت فرد خاطی می‌شود.

- **فرار از خانه:** یکی از مهم‌ترین عواملی که افراد را به سمت ارتکاب جرم سوق می‌دهد، کنترل بیش از حد یا سهل‌انگاری والدین در تربیت فرزندان به‌ویژه فرزندان پسر است. کنترل بیش از حد فرزندان و نظارت بی‌وقفه بر رفتار آن‌ها و حذف فضای آزاد برای تنفس، موجب احساس فشار روانی شدید برای انسان می‌شود. تراکم این احساس، فرار از منزل را به‌عنوان بدیلی برای شرایط کنونی مجاز می‌شمارد. فردی که به این صورت از منزل فرار کرده است، اولین مسئله‌ای که برایش پیش می‌آید «مکان» یا فضایی برای ادامه زندگی است. برخی از سارقان مورد مطالعه، از خانه‌های تیمی و مسافرخانه‌های اینچنینی با عنوان مکان یاد می‌کردند. شخصی که به این صورت از خانه فرار کرده است، نیازمند آب و غذا و سایر امکانات بقا است. برخی از سارقان سابقه‌دار یا نسبتاً ثروتمند یا محتاط، با فراهم کردن مکان زندگی برای فراریان از منزل، آن‌ها را آموزش می‌دهد و انتظار جبران نیز دارند. فرد فراری نیز مجبور به جبران الطاف صاحبخانه [تیمی] است. با توجه به اینکه درآمدی برای جبران ندارد، به‌ناچار وارد خلاف و ارتکاب جرم می‌شود.

- **ویژگی‌های شخصیتی:** برخی از سارقان ساکن در زندان‌های مورد مطالعه، از ویژگی‌های شخصی به‌عنوان عاملی برای توجیه ارتکاب جرم خود استفاده می‌کردند. منظور آن‌ها از این مفهوم ویژگی‌هایی شامل دنباله‌رو بودن، داشتن افکار بلندپروازانه و اراده ضعیف در رد پیشنهاد سرقت توسط دوستان و غیره است. آن‌ها این ویژگی‌ها را به دلیل تربیت ضعیف خانواده می‌دانند. این افراد در حین مصاحبه می‌گفتند که والدین آن‌ها اهمیتی به تربیت آن‌ها نداده و کم‌ترین زمان را به گفتگو با فرزندانشان اختصاص می‌دهند. سارقان مورد بررسی یکی از دلایل ارتکاب جرم برای بار اول را خجالت از «نه» گفتن به درخواست دوستان برای انجام این عمل بیان می‌کردند. نظام تربیتی کشور ما چه در درون خانه و چه در محیط‌های آموزشی باید اراده افراد را تقویت کند و به آن‌ها نه گفتن را بیاموزد. اغلب افراد جامعه، توانایی نه گفتن را در شرایط پر فشار ندارند. دلیل اصلی آن هم عدم یادگیری این ویژگی است. برخی از مشارکت‌کننده‌ها اظهار می‌کردند

که بار اول از مغازه‌ها یا از دست‌فروشان چیزهایی را به درخواست دوستانشان برداشته‌اند. اگر این افراد یاد می‌گرفتند برای حضور در گروه همسالان صرفاً نباید به درخواست‌های آن‌ها جواب مثبت دهند، شاید به سارق حرفه‌ای تبدیل نمی‌شدند.

- **بی‌سوادی و کم‌سوادی:** تحصیلات یکی از متغیرهای مهم و تأثیرگذار در به‌انحراف کشیده شدن افراد است. اکثر مشارکت‌کننده‌ها در بیان وضعیت زندگی خود بی‌سواد و کم‌سواد خود و والدینشان را دلیلی جدی بر سارق شدن خود می‌دانند. تحصیلات، فرصت زندگی فراهم می‌کند. فرد با کسب آگاهی از طریق تحصیلات با دنیای اطراف آشنا شده و مهارت کسب شغل و درآمد به دست می‌آورد. همچنین، فرد با کسب تحصیلات از پیامدهای انحراف از رفتار عادی و پذیرفته‌شده اجتماعی آگاه می‌شوند. تحصیلات و سوادآموزی آدمی را تربیت کرده و به او مهارت زندگی می‌آموزد. اغلب مشارکت‌کنندگان اظهار می‌کردند که وضعیت نامطلوبی در کسب علم دانش داشتند. کسب سواد یکی از راه‌های جدی تغییر دادن جایگاه اجتماعی است. وقتی این مهم فراهم نشود، فرد ممکن است برای رسیدن به امیال و آرزوهایش به راه‌های خلاف عفت عمومی کشانده شود.

- **بیکاری:** سارقان مورد مطالعه در اکثر مصاحبه‌ها اظهار می‌کردند که شرایط زندگی بسیار سختی را تجربه کرده‌اند. هرچه تلاش می‌کنند، باز نمی‌توانند از عهده هزینه‌ها برآیند. این افراد خود و والدینشان قبل از اینکه به سرقت روی آورند، بیکاری‌های زیادی را تجربه کرده‌اند. خانواده‌هایشان نیز در این وضعیت قرار دارند. برخی از سارقان اظهار می‌کردند که کودکان این خانواده‌ها اغلب لاغراند، رنگ‌پریده و بسیار نحیف‌اند. در سبب غذایی این افراد به‌ندرت گوشت پیدا می‌شد. غذای مورد استفاده این خانواده‌ها کیفیت لازم را ندارد. این شرایط در سال‌های اخیر به علت بالا رفتن لحظه‌ای قیمت کالاها و تورم فزاینده تشدید شده است. اکثر مشارکت‌کننده‌ها می‌گفتند، در صورتی که بتوانند شغلی با درآمد مکفی (جهت رفع نیازهای زندگی) به دست آورند، از سرقت اموال مردم دست بر خواهند داشت.

- **فقر:** فقر شدید، بی‌پولی و کم‌درآمدی از دلایل مهمی است که سارقان محکوم‌شده و مشغول به تحمل حبس به‌عنوان دلیل اولیه ارتکاب جرم بیان می‌کردند. این افراد اظهار می‌کنند که شرایط زندگی‌شان بسیار اسفناک بوده؛ به‌گونه‌ای که مدت‌های عدیدی غذای مناسبی مصرف نکرده‌اند. آن‌ها برای فرار از این شرایط به سرقت رو آورده‌اند. برخی

از این افراد بیان می‌کردند که تا وقتی که از نظر مالی به وضعیتی مناسب نرسند، دست از این کار برنمی‌دارند. آن‌ها معتقدند که جامعه به آن‌ها ظلم کرده و باید حق خود را از جامعه بستانند. زندگی در شرایط فقر و بی‌پولی برای مدت زیادی، آن‌ها را نسبت به جامعه بدبین و متخاصم بار آورده است و تاکنون نیز کسی درصدد توجیه آن‌ها و آگاه کردن آن‌ها از این فکر اشتباه برنیامده است.

تعاملات: بعد دوم نظریه داده بنیاد را تعاملات یا فرآیندها می‌نامند. تعاملات مجموعه‌ای از مفاهیم و مقوله‌ها را شامل می‌شود که در نتیجه کنش و واکنش مقوله‌های شرایطی به وجود می‌آیند. در این مقاله، تعاملات شامل سه مقوله کلی به این شرح هستند؛ مکان آغاز و شکل‌گیری گروه‌های همکاری و یادگیری مفهوم شجاعت در حین سرقت.

مکان آغاز و شکل‌گیری گروه‌های همکاری: هنگامی که یک فرد از خانواده‌اش جدا شده و در جستجوی یافتن شرایط مطلوب‌تر زندگی به استان‌ها یا شهرهای بزرگی مانند تهران مهاجرت می‌کند، اولین مسئله‌ای که با آن روبه‌رو می‌شود، نداشتن جا و مکانی برای زندگی است. این مشکل او را راهی خیابان‌ها و مکان‌های ارزان‌قیمت مثل مسافرخانه‌ها می‌کند. شخص یا از طریق این مسافرخانه‌ها یا از طریق دوستان قدیمی یا اتفاقی به خانه‌های تیمی راه پیدا می‌کند. با ورود او به این منازل و مکان‌ها، شرایط جدیدی برایش پیش می‌آید. برخی از مشارکت‌کننده‌ها که ساکن شهرستان بودند، در حین مصاحبه می‌گفتند که هنگامی که به تهران وارد شدند، چون جایی برای زندگی نداشتند، به‌ناچار وارد خانه‌های تیمی شدند که آدرس آن‌ها را از شهرستان گرفته بودند. ورود به این منازل، هزینه‌های زیادی برای آن‌ها در بردارد. اولین کار این است که باید با الگوهای رفتاری این خانه‌ها هماهنگ شوند و اینکه باید هزینه‌های خوراک و سایر هزینه‌های خدماتی را بپردازند. از سویی، مهارتی برای پیدا کردن شغل ندارند. بنابراین، با الگوهای این خانه‌ها وفق پیدا کرده و به این صورت فنون سرقت را می‌آموزند و در ادامه به عنوان سارق حرفه‌ای خود را می‌شناسند.

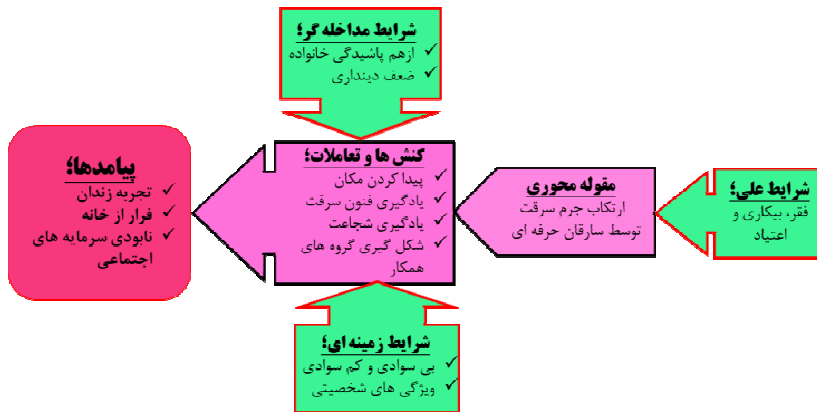
پیامدها: پیامدها بعد سوم نظریه داده بنیاد را شامل می‌شوند. این بعد دربرگیرنده مقوله‌هایی است که در نتیجه کنش و واکنش بین مقوله‌های فرآیندی به وجود می‌آیند. دو مقوله پیامدی این تحقیق شامل زندان و از بین رفتن سرمایه اجتماعی است.

تجربه زندان و یادگیری فنون سرقت: روانه زندان شدن، جدی‌ترین پیامد ارتکاب سرقت است. در بیشتر سیستم‌های قضایی دنیا از زندان به‌عنوان مکانی برای پالایش

روحی و رفتاری مجرمان و بزهکاران یاد می‌شود. در حالی که مشارکت‌کننده‌های پژوهش حاضر، زندان را به‌عنوان مهم‌ترین مکان برای آموزش و یادگیری شیوه‌های جدید سرقت و ارتکاب جرم معرفی می‌کردند. حتی یکی از سارقان از زندان با عنوان «مدرسه جرم» یاد می‌کرد. در زندان تنوعی از مجرمان سکونت دارند. کنش متقابل با آن‌ها موجب شکل‌گیری حلقه‌های دوستی و یادگیری از آن‌ها می‌شود. اگر فردی از فنون ارتکاب جرم اطلاعات اندکی داشته باشد با ورود به زندان و آشنایی با سایر مجرمان می‌تواند دانش خود را عمیق کرده و در آینده، موفقیت بیشتری در ارتکاب جرم به دست آورد.

- **نابودی سرمایه اجتماعی:** مشارکت‌کننده‌های این پژوهش اظهار می‌کردند که بعد از اینکه مرتکب جرم شدند، محکوم شدند و روانه زندان شدند و در نهایت آزاد شدند، جامعه شامل خانواده، اقوام و خویشاوندان، دوستان قدیمی، هم‌محلله‌ای‌ها و سایر کسانی که از حبس آن‌ها آگاهی دارند، حاضر به ادامه رابطه با آن‌ها نمی‌شوند. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی‌اشان را از دست می‌دهند. جامعه دیگر به این افراد اعتماد نمی‌کند و شبکه‌های دوستان عادی‌شان (غیرمجرم) را از دست می‌دهند. سرمایه اجتماعی یکی از مفاهیم بسیار مهم در جامعه‌شناسی معاصر است که در بررسی و تحلیل کمیت و کیفیت روابط اجتماعی به‌طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. منظور از سرمایه اجتماعی، سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر می‌توانند به دست آورند (شارع‌پور، ۱۳۸۸، ص ۳۹). سرمایه اجتماعی و ابعاد آن، یکی از مقولات و عناصر بنیادین در برقراری تعامل اجتماعی است که تبادل اجتماعی را در شرایط عدم اطمینان و ریسک تسهیل می‌کند (افشانی، فاضل نجف‌آبادی، حیدری و نوریان نجف‌آبادی، ۱۳۸۹، ص ۲). همچنین، در تحقق نظم اجتماعی و نیز زندگی روزمره نیز عنصری ضروری و حیاتی به شمار می‌آید (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۲۲). نظریه پردازان معتقدند که اعتماد شالوده زندگی است و بی‌اعتمادی سرچشمه بسیاری از گرفتاری‌ها و نابسامانی‌ها است. بی‌ثباتی سیاسی، نارضایتی عمومی، رواج دروغ و نادرستی و در کل عدم رعایت اخلاق در جامعه ناشی از بی‌اعتمادی است. اگر مردم به ورطه دورویی و چند شخصیتی شدن سوق می‌یابند، به خاطر این است که اعتقاد و اعتماد عمومی تنزل یافته است و آن‌ها دچار سرخوردگی از مقوله اعتماد شده که مبادرت به انجام چنین اعمالی می‌کنند (امیرکافی، ۱۳۷۵، ص ۲). رابطه سرمایه اجتماعی و احساس امنیت را تحقیقات گذشته مانند احمدی و عربی (۱۳۹۲) نیز تأیید کرده‌اند. به عبارت دیگر، هر جا که

تعامل اجتماعی، همبستگی و اعتماد افراد به یکدیگر زیاد باشد، متقابلاً از میزان پدیده‌هایی مثل احساس ناامنی و هراس از تعرض کاسته می‌شود و بر احساس امنیت و آرامش خاطر افراد افزوده می‌شود. مشارکت‌کننده‌ها یکی از دلایل اصلی تکرار جرم را بی‌اعتمادی جامعه نسبت به خود می‌دانند. آن‌ها می‌گفتند اگر خانواده و گروه‌های دوستان، اقوام و خویشاوندان با روی باز از آن‌ها استقبال کنند، ترک عمل سرقت و پیدا کردن اعتماد به نفس و شغل آسان‌تر می‌شود.



شکل ۱ - الگوی پارادایمی تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، مطالعه ادراکات سارقان حرفه‌ای برای کشف و بررسی دلایل سارقان در ارتکاب سرقت است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که وضعیت خانوادگی سارقان در خصوص پایبندی به فرایض دینی مانند نماز، خواندن قرآن و سایر مناسک دینی در ارتکاب جرم مؤثر بوده است؛ به نحوی که اکثریت افراد مورد مطالعه در خانواده‌هایی با سطح پایین دینداری زندگی کرده‌اند. وجود خانواده‌های ستیزه‌گر و متلاشی‌شده، از عوامل دیگر بزهکاری محسوب می‌شود. اکثر ناراحتی‌های سارقان برگرفته از دوره نوجوانی و زائیده امر و نهی و سخت‌گیری‌های والدین و بی‌مهری در کودکی و محرومیت و عدم رفاه و امنیت، عصبانیت والدین، سستی اصول اخلاقی و آرزوهای جاه‌طلبانه والدین برای نوجوانان است. جوانانی که در کودکی و نوجوانی از آزادی و وسایل اولیه زندگی محروم بوده‌اند و نتوانسته‌اند به تحصیلات خود ادامه دهند، والدین و جامعه را

مقصر دانسته و در پی انتقام از آن‌ها برمی‌آیند. لذا به ارتکاب اعمالی مانند سرقت روی می‌آورند.

در پاسخ به این سؤال پژوهش مبنی بر منابع اطلاعاتی، عمده سارقان اعتقاد داشتند که روش‌های جدید را از سریال‌ها، روش‌های دوستان یا فیلم‌های سینمایی مشاهده کرده‌اند و ضمن طرح این روش‌ها به بررسی نقاط ضعف و قوت هر یک از آن‌ها نیز پرداخته‌اند. اغلب آن‌ها، محیط زندان را محیط مناسبی برای یادگیری روش‌های نو برای سرقت می‌دانند. به‌طور کلی پاسخ‌ها نشان می‌دهد که یادگیری مهم‌ترین روش‌های دانش‌افزایی سارقان در درون زندان‌ها روی داده است. به بیان دیگر، زندان به‌جای دور نگهداشتن سارقان از جامعه و تنبیه آن‌ها، تبدیل به مکانی برای یادگیری روش‌های نوین ارتکاب جرم شده است.

یکی از سؤال‌هایی که در مصاحبه از سارقان مطرح شد، این بود که چه مکان و محلی را به‌عنوان هدف برمی‌گزیدند. پاسخ‌ها نشان از درخطر بودن بیشتر خانه‌های ویلایی به‌ویژه در محله‌های گران‌قیمت و به‌اصطلاح عامیانه «بالای شهر» در شهرهای بزرگ داشت. خانواده نهاد اساسی جامعه است. جامعه‌پذیری و یادگیری الگوهای فرهنگی جامعه بزرگ‌تر در درون این نهاد آموخته می‌شود. حال اگر این نهاد در وضعیت آنومیک و بی‌نظمی قرار گیرد، انسجام نظام اجتماعی رو به ویرانی می‌گذارد. شرایط خانوادگی، سخت‌گیری یا آسان‌گیری افراطی، ازهم‌پاشیدگی و اختلافات درونی خانواده و عدم درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای صحیح در خانواده همگی در ایجاد انحرافات مانند سرقت نقش بسزایی دارد. یافته‌ها حاکی از آن است که سارقان مورد مطالعه اغلب در خانواده‌هایی با حجم زیاد پرورش یافته‌اند. جمعیت زیاد سبب کم‌توجهی والدین به فرآیند تعلیم و تربیت شده و اکثر این افراد به جای کسب ارزش‌ها و هنجارهای مثبت خانوادگی، الگوهای رفتاری نامناسب اجتماعی را فراگرفته‌اند.

یکی از مهم‌ترین معضلات اجتماعی که زمینه‌ساز بسیاری از جرائم و کج‌روی‌هاست موضوع اعتیاد است. پدیده اعتیاد در جهان امروز به‌صورت یک معضل خانمان‌سوز باعث ازهم‌پاشیده شدن بسیاری از خانواده‌ها، به انحراف کشیده شدن نوجوانان و جوانان، شیوع و گسترش بیماری‌ها و ضررهای فراوان اقتصادی و مرگ‌ومیر شده است. معتادان نه‌تنها مولد و سازنده نیستند، بلکه نسبت به اعضای خانواده خود هم احساس مسئولیت نمی‌کنند، برآوردن نیاز خود را مقدم بر نیازهای دیگران می‌دانند (شایگان، ۱۳۹۰). این

افراد ناگزیر برای تأمین مواد مخدر، به راه‌های نامطلوب، نظیر دزدی، تجاوز به دیگران و حتی آدم‌کشی روی می‌آورند. تأثیر اعتیاد فرد در ارتکاب به سرقت در مصاحبه‌ها نیز مورد تأکید جدی مشارکت‌کننده‌ها بود. افراد معتاد نسبت به سایر افراد جامعه بیشتر در معرض ارتکاب سرقت قرار دارند. با افزایش میزان مصرف مواد مخدر، فرد معتاد احتیاج بیشتری به پول پیدا می‌کند. از طرفی، به این فرد شغلی واگذار نمی‌شود، در نتیجه درآمدی برای تأمین نیازهایش ندارد، لذا سرقت یکی از راه‌هایی است که منابع موردنیاز معتاد را برای خرید مواد مخدر، فراهم می‌کند. چرخه تاریک بین فقر، اعتیاد و دیگر جرائم، در مصاحبه‌ها به وضوح آشکار بود. برخی از مشارکت‌کننده‌ها افرادی بودند که از منزل فرار کرده بودند. این افراد با فرار از خانه و آشنایی با افراد ناباب، فریب‌خورده و دست به جرائمی نظیر سرقت، کیف‌قاپی، تکدی‌گری و حتی تجاوز به عنف می‌زنند تا بتوانند هزینه‌های خود را تأمین کنند.

در خصوص تأثیر مقوله بیکاری در شکل‌گیری جرائم و آسیب‌های اجتماعی مانند سرقت، پژوهش‌ها، مقالات و مطالب گوناگونی از سوی پژوهشگران رشته‌های مختلف علوم اجتماعی و روان‌شناسی صورت گرفته است. نتایج این پژوهش‌ها حاکی از آن است که توزیع نامناسب درآمد باعث ظهور ناهنجاری در جامعه می‌شود و از نظر سیاسی نیز ممکن است بحران آفرین باشد. در زمان رکود یا تورم شدید، فقر و بیکاری افزایش می‌یابد. در این شرایط، برخی برای فرار از بیکاری و تأمین معاش زندگی به انجام هر عملی متوسل می‌شوند. فقر یکی از مؤثرترین عوامل در بروز جرم است؛ به این صورت که اگر فرد در شرایط سوءتغذیه، عدم دسترسی به امکانات بهداشتی و آموزش، عدم وجود سرپناه مناسب برای زندگی و شرایطی مشابه (که ناشی از نداشتن شغل و درآمد کافی برای ادامه زندگی است) قرار گیرد، ممکن است به فعالیت‌های غیرقانونی مانند سرقت روی آورد. در نگاه دینی نیز همبستگی میان فقر و انحرافات اجتماعی مورد تأیید قرار گرفته است. بر این اساس، فقر امکان انحراف از الگوهای رفتاری هنجار شده را افزایش می‌دهد. در منابع دینی، فقر ناشی از بیکاری و شرایط ناعادلانه در توزیع درآمد است. رابطه فقر و انحرافات، رابطه پیچیده‌ای است؛ هنگامی که فقر و محدودیت‌های ناشی از آن فقرا را در تأمین مایحتاج زندگی ناکام می‌کند، شرایط ارتکاب جرم برای آن‌ها فراهم می‌شود. ارتباط بین فقیران با سارقان در حوزه‌های مختلف علمی از قبیل علوم اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناسی، موضوع تحقیق و پژوهش‌های مختلف قرار گرفته و از منظرهای

گونگون به آن توجه شده است. از این‌رو، بیکاری که خود یکی از عوامل مهم در به وجود آمدن فقر است، در اینجا به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های محرک برای سرقت مورد سؤال از سارقان قرار گرفت. در این خصوص باید گفت، بیکاری یکی از عوامل مهم در گسترش بزهکاری است که مورد اتفاق نظر اکثر صاحب‌نظران رشته حقوق و علوم اجتماعی نیز واقع شده است. از دیدگاه جرم‌شناسان نیز بیکاری و کمی درآمد یکی از مهم‌ترین علل و ریشه بروز جرائمی چون سرقت است. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، رابطه مستقیمی بین بیکاری و نداشتن درآمد مالی با بزهکاری وجود دارد. در واقع، یکی از عوامل عمده‌ای که می‌تواند باعث بروز ناهنجاری و گسترش بزهکاری‌ها، جنایات و فساد در جامعه شود نشأت گرفته از فقر و عدم اشتغال دائم در جامعه است. هر جامعه‌ای که دو معضل بیکاری و فقر در آن نمود بیشتری داشته باشد، طبیعتاً میزان جرم و بزهکاری آن‌ها نیز رشد یافته و تعداد کسانی که به اعمال خلاف عرف و قانون دست می‌زنند، در آن بیشتر به چشم می‌خورند. از سوی دیگر، مشکلاتی مانند نابرابری و شکاف طبقاتی و شکل‌گیری رؤیاهای بلندپروازانه در مقایسه افراد فقیر و غنی، خود عاملی برای کسب ثروت از راه‌های غیرمجاز و غیرمشروع مانند سرقت است.

امروزه، سرعت سرسام‌آور تغییرات و پیشرفت‌های فناوری، سبک زندگی افراد و خانواده‌ها را به‌صورت مدام دچار دگرگونی‌های اساسی می‌کند. در زمینه ارتباط فناوری، سبک زندگی و وقوع انحرافات مانند سرقت به چند حوزه‌ی اساسی زندگی افراد می‌توان اشاره کرد که مسائل اقتصادی، تأمین مالی و اشتغال برخی از مهم‌ترین موارد ملموس موضوع مورد بررسی هستند. رقابت در تمام عرصه‌ها، دل‌مشغولی‌های تمام‌نشدنی و فشار و استرس‌های مختلف در ابعاد متفاوت زندگی، آرامش و آسایش در زندگی را به‌گمشدن افراد و خانواده‌ها تبدیل کرده؛ به‌طوری‌که همه‌چیز زندگی کاملاً کالایی و تصنعی شده است. در چنین شرایطی، افراد با انواع فشارها، تنش‌ها و استرس‌های دائمی زندگی می‌کنند و ماحصل شرایط خاص زندگی، امروزه بالا رفتن آمار انحرافات مانند سرقت است.

یکی دیگر از مسائل مورد بررسی، تأثیر میزان شجاعت افراد در سوق دادن آن‌ها به سرقت است. اکثر پاسخ‌دهندگان، داشتن شجاعت را شرط لازم سرقت می‌دانند و معتقدند افراد ترسو یا جسارت سرقت ندارند یا اگر دست به انجام آن بزنند با شکست مواجه می‌شوند. در نگاه سطحی، پاسخ سارقان مبنی برداشتن شجاعت منطقی به نظر

می‌آید، اما با نگاهی عمیق می‌توان به داشتن شجاعتی کاذب در بسیاری از آن‌ها پی برد؛ شجاعت کاذب که خود برگرفته از عوامل فردی و ویژگی‌های شخصیتی مانند اختلال روانی، ضعف و فقر شخصیتی یا حتی افسردگی و یاس و سرخوردگی و غیره می‌تواند باشد.

نکته دیگر در بعد اجتماعی سرقت یا هر نوع انحراف اجتماعی دیگر در اصطلاح عامیانه «جوزدگی» و تحت تأثیر محیط و شرایط قرار گرفتن و تصمیم آنی و خلاف واقع گرفتن و در ادامه، درگیر فردگرایی خودخواهانه شدن است که رواج این نوع از رفتارها و تصمیم‌های هیجانی، منابع ذهنی لازم برای دلبستگی، همبستگی و مشارکت را از بین می‌برد و عملاً فرد دچار شده را که چنین تصمیم‌هایی در لحظه‌ای از زمان برای جلب توجه فرد یا افرادی می‌گیرد با توجه به زمینه‌های قبلی و نیازهای آن‌ها، به ورطه‌ای از سقوط و نابودی می‌کشاند و باعث فرورفتن بیش از پیش فرد در گرداب خلاف و سرقت می‌شود.

در مطالعه میزان تحصیلات سارقان و اعضای خانواده آن‌ها مشاهده شد که اغلب سارقان مورد مطالعه در پژوهش حاضر در خانواده‌هایی با میزان تحصیلات پایین زندگی کرده‌اند. به بیان کامل‌تر، میزان تحصیلات، جزء دغدغه‌ها و نیازهای کم اولویت در سارقان بوده است. در واقع، نکته مهم در اینجا این است که از یک سو بسیاری از آن‌ها هیچگاه در چرخه آموزش قرار نگرفته‌اند و فاقد تخصص و حرفه‌ای خاص برای به‌کارگیری و امرارمعاش برای گذراندن زندگی هستند و از سوی دیگر، در صورت فراهم کردن فرصت آموزش و ادامه تحصیلات و آشنا کردن این افراد با الگوهای صحیح و درست اجتماعی، می‌توان آن‌ها را باز جامعه‌پذیر کرده و از بازتولید سرقت و سارق جلوگیری کرد. در پایان، با توجه به اهداف تحقیق و یافته‌های به دست آمده، سعی می‌شود پیشنهادهای مناسب و کاربردی ارائه شود.

- با توجه به اینکه فقر و بیکاری از جمله مهم‌ترین شرایط علی ارتکاب به جرم سرقت هستند، پیشنهاد می‌شود با فراهم کردن شرایط اشتغال برای جوانان، از این سرمایه‌های ارزشمند در راستای پیشبرد اهداف کلان جامعه استفاده شود تا از این طریق ارتکاب جرائم سرقت کاهش پیدا کند.

- از آنجایی که اعتیاد ریشه بسیاری از جرائم از جمله سرقت است، پیشنهاد می‌شود با آموزش‌ها و شیوه‌های آگاه‌سازی متناسب با سنین مختلف، از اعتیاد نوجوانان و جوانان

پیشگیری به عمل آید و چنانچه به هر دلیلی، فرزند یا یکی از اعضای خانواده به اعتیاد مبتلا شد، به جای ترد کردن وی، در سریع‌ترین زمان برای ترک آن اقدام شود.

- با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین شرایط زمینه‌ای برای ارتکاب به جرم سرقت، ویژگی‌های شخصیتی از جمله دنباله‌رو بودن، داشتن افکار بلندپروازانه و اراده ضعیف در رد پیشنهادهای نامناسب از طرف دوستان است، پیشنهاد می‌شود با آموزش مهارت‌های زندگی، نسبت به رشد و بلوغ اجتماعی نوجوانان و جوانان اقدام شود. همچنین، از ترک تحصیل نوجوانان و جوانان جلوگیری شود.

- پیشنهاد می‌شود آموزش خانواده‌ها در مورد عواقب ناشی از اختلافات خانوادگی به‌ویژه طلاق، عدم مراقبت و کنترل فرزندان و ضرورت توجه به امور آن‌ها جزء برنامه‌های اساسی مسئولان امر باشد.

- از آنجایی که سارقان حرفه‌ای مشارکت‌کننده در این تحقیق اذعان داشتند بیشتر شیوه‌های سرقت را در زندان فرامی‌گیرند، پیشنهاد می‌شود برای آن دسته از مجرمانی که برای اولین بار مرتکب سرقت می‌شوند به جای مجازات حبس، از مجازات جایگزین استفاده شود.

- طرح مطالب آموزش اجتماعی در کتب درسی و رسانه‌های عمومی به‌ویژه رادیو و تلویزیون در دستور کار قرار گیرد. همچنین، ایجاد و راه‌اندازی کارگاه‌ها و صنایع به‌منظور افزایش فرصت‌های اشتغال و انجام تمهیدات لازم برای ایجاد شغل از دیگر اقدامات مؤثر می‌تواند باشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان لازم می‌دانند از کارکنان سازمان زندان‌ها، معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ و همچنین تمام کسانی که ما را در انجام این مطالعه یاری رساندند، تشکر و قدردانی کنند.

منابع

منابع فارسی

- احمدی، حبیب و عربی، علی (۱۳۹۲). رابطه بین ساختار محله‌ای و هراس از تعرض (مورد مطالعه؛ شهر کرج). *فصلنامه انتظام اجتماعی*. ۱۵ (۱)، صص ۳۷-۶۰. بازیابی از: http://entezami.sinaweb.net/article_3735.html
- اسکندری، حمیدرضا؛ علی زاده، سمیه و کاظمی، پروانه (۱۳۹۰). کاربرد داده کاوی در شناسایی و کشف الگوهای پنهان جرم سرقت. *نظم و امنیت انتظامی*. ۴ (۴)، صص ۳۵-۵۶. بازیابی از: <https://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=177722>
- افشانی، علیرضا؛ فاضل نجف‌آبادی، سمیه؛ حیدری، محمد و نوربان نجف‌آبادی، محمد (تابستان ۱۳۸۹). پژوهشی در باب رابطه دینداری و اعتماد محله‌ای. *فصلنامه علوم اجتماعی*. شماره ۴۹، صص ۱۸۵-۲۱۷. بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=131576>
- امیرکافی، مهدی (۱۳۷۵). *اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز.
- جعفری، محمدی و اکبری، حمیدرضا (۱۳۹۳). تأثیر مدیریت مشارکت مردمی در پیشگیری از سرقت احشام در اسلام‌آباد غرب. *فصلنامه انتظام اجتماعی*. ۶ (۳)، صص ۳۵-۵۶. بازیابی از: <http://yon.ir/jKG9m>
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: نشر نی.
- رابرتسون، یان (۱۳۹۱). *درآمدی بر جامعه؛ با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز، و کنش متقابل نمادی* (حسین بهروان، مترجم). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- رابینگتن، ارل و واینبرگ، واینبرگ (۱۳۹۷). *رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ستوده، هدایت اله (۱۳۸۴). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*. تهران: انتشارات آوای نور.
- سجودی، عادل (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر سرقت از اماکن. *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*. ۸ (۴)، صص ۳۲. بازیابی از: <http://yon.ir/cxqFD>
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۸). *ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از*

- فرسایش آن در بررسی مسائل اجتماعی. گروه مؤلفان. تهران: انتشارات پیام نور.
- شایگان، فریبا (۱۳۹۰). خانواده و پیشگیری از اعتیاد. *فصلنامه پیشگیری از جرم*. ۱۸ (۶)، صص ۳۳-۶۰. بازیابی از: <http://yon.ir/ceTkW>
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۹۶). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*. تهران: انتشارات سمت.
- صفا، داوود و فولادی، حفیظ‌الله (۱۳۹۵). مطالعه کیفی علل و زمینه‌های سرقت از منازل و تأثیر آن بر نظم و امنیت اجتماعی (مورد مطالعه؛ شهر قم). *بررسی مسائل اجتماعی ایران*. ۷ (۱)، صص ۱۲۵-۱۵۴. بازیابی از: <http://yon.ir/SUMkQ>
- قاسمی، مسعود و علی‌پور، حمیدرضا (۱۳۹۳). تأثیر اتخاذ تدابیر پیشگیرانه وضعی بر وقوع سرقت از اماکن. *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*. ۹ (۴)، صص ۵۱-۷۱. بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=251120>
- کوئن، بروس (۱۳۸۹). *مبانی جامعه‌شناسی (غلام عباس توسلی و رضا فاضل، مترجمان)*. تهران: انتشارات سیمیا.
- مرشدی، مسعود و جعفریان، محمدحسن (۱۳۹۳). مکان‌یابی جرم با رویکرد پیشگیری وضعی از جرم. *فصلنامه انتظام اجتماعی*. ۶ (۳)، صص ۱۳۳-۱۵۴. بازیابی از: <http://yon.ir/OnXbY>
- ممتاز، فریده (۱۳۸۷). *انحرافات اجتماعی؛ نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مولانیا، عزت‌اله (اسفندماه ۱۳۸۹). بزهکاری زنان، آسیب‌شناسی، سبب‌شناسی و درمان. *مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان*. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- نجفی‌توانا، علی؛ رفیعی، حسن‌رضا و رفیعی، هادی (۱۳۹۲). نقش پیشگیری اجتماعی با رویکرد چند نهادی؛ پیشگیری از سرقت خودرو در تهران بزرگ. *فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی*. ۵ (۱)، صص ۱۰۵-۱۱۸. بازیابی از: <http://yon.ir/864MD>

منابع انگلیسی

- Afrazeh, A. & Bartsch, H. & Hinterhuber, H. (2003). Effective Factors in Human Activities and Knowledge Sharing. International Working Conference IFIP WG 5.7, "Human Aspects in Production Management" European Series in Industrial Management.
- Alavi, M & Leidner D.E. (2000). Review knowledge management and knowledge management system: Conceptual foundations and research issues. *Organization studies*, vol. 14, No. 4, pp: 335-343. Retrieved from: [DOI: 10.2307/3250961](https://doi.org/10.2307/3250961)
- Allee, Verna. (1997). *The knowledge evolution, expanding organization*. Boston: Butterworth-Heinemann.
- Bajaria, H. (2000). Knowledge creation and management: inseparable twins. In: *Total Quality Management*, vol. 11, No. 4, pp: 502-573. Retrieved from: [DOI: 10.1080/09544120050007896](https://doi.org/10.1080/09544120050007896)
- Barney, J.B. (1991). Firm Resources and Sustained competitive advantage. *Journal of Management* vol. 17, pp: 99-120. Retrieved from: <http://yon.ir/gvb2H>
- Bryman, a (2007). barriers to integrating quantitative and qualitative research, *journal of mixed methods research*, no. 2, pp 8-22. Retrieved from: [DOI: 10.1177/2345678906290531](https://doi.org/10.1177/2345678906290531)
- Creswell, J. W (2003) *Research design: qualitative, quantitative, and mix methods approaches*, second edition, thousand osaks, ca: sage publication.
- Jarvik, m (1990). The Drug Dilemma: Manipulating the Demand, *Science* 250: 389-92. Retrieved from: [DOI: 10.1126/science.2218544](https://doi.org/10.1126/science.2218544)
- Lombroso, C., Ferreor. W (1895). *The Female Offender*. London: T. Fisher Unwin.
- Mooney. L, Knox. D, Schacht (1997). *Undertanding Social Probkems*, New Yprk: West Publication.